

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: کلاوس گیتینگر

فرستنده: عثمان حیدری

۲۲ جنوری ۲۰۱۹

تابش نوری جدید بر پرونده قتل روزا لوکزامبورگ

بررسی کتاب:

«قتل روزا لوکزامبورگ»



سه‌شنبه آینده صدمین سالگرد قتل دو غول سوسیالیستی بین‌المللی، روزا لوکزامبورگ و کارل لیبکنشت در برلین است و این کتاب نتیجه سال‌ها کار کلاوس گیتینگر فلم‌نامه‌نویس و کارگردان فلم برای غربال کردن فاکت‌ها از دروغ‌هایی است که نه فقط مرگ آن‌ها، بلکه محاکمه قاتلان آن‌ها را احاطه کرده است. همان‌طور که گیتینگر می‌گوید: «چیزی که رهبران حزب سوسیال دمکرات از به آب انداختن جسد لوکزامبورگ در کانال لندوهر نفهمیدند این بود که با آن جمهوری و ایمار را [نیز] به آب می‌اندازند.»

شرایطی که المان در سال ۱۹۱۸ در آن قرار داشت هم پُر آشوب و هم متزلزل بود. کشور که در جنگ جهانی اول شکست خورده و تحقیر شده بود با قحطی و شورش خودجوش ملوانان در «کیل» و دیگر بنادر روبه‌رو بود. شورای انقلابی ملوانان، سربازان و کارگران در سراسر کشور تشکیل شد. خلع قیصر به تشکیل یک دولت حزب سوسیال دمکرات به رهبری فریدریش اِبرت انجامید.

هنگامی که ابرت رئیس پولیس رادیکال برلین را برکنار کرد در اعتراض به آن تظاهرات گسترده‌ای صورت گرفت و در اعتصاب سراسری متعاقب آن صدها هزار نفر که عمدتاً کارگران مسلح بودند ایستگاه‌های راه‌آهن و دفاتر روزنامه‌ها و تلگراف را تصرف کردند.

اِبرت مصمم به سرکوب کردن موج اعتراض انقلابی و همچنین برای حفاظت از موجودیت دولت خود، نیروی پولیس مزدور خوب تعلیم دیده و خوب تسلیح شده را از «فرای‌کورپس» * Freikorps برای سرکوب قیام‌ها و شکار رهبران آن‌ها تشکیل داد.

لوکزامبورگ و لیب‌کنشت که در طول جنگ در «لیگ اسپارتکوس» علناً فعالیت می‌کردند و به تشکیل حزب کمونیست در اول جنوری ۱۹۱۹ کمک کرده بودند، در این زمان مخفی شدند، سپس دستگیر شده و به وسیله لشکری از «فرای‌کورپس» به رهبری «والدمار پابست» Waldemar Pabst به قتل رسیدند.

هدف گیتینگر این است که نه فقط مشخص کند چه کسی در حزب سوسیال دمکرات ترتیب قتل آن‌ها را داد و چه کسی مرتکب آن شد، بلکه شرایط مرگ آن‌ها و پنهان‌کاری را که به محاکمه ساختگی افراد درگیر منجر شد، برملا نماید. مؤلف، محاکمه برای قتل لوکزامبورگ را «یکی از خنده‌دارترین مسخره‌بازی‌ها در تاریخ قضائی المان» توصیف می‌کند.

پابست تا سال ۱۹۷۰ زنده بود. او پس از همکاری پیچیده با نازی‌ها وارد معاملات اسلحه شد و یک مجله راست‌گرا را منتشر کرد.

او در سال ۱۹۶۱ در آن نشریه اعتراف کرد که دستور قتل را صادر کرده بود و آنرا «تصمیم برای از میان برداشتن دو شاگرد خانمان‌برانداز و مطیع مسکو» نامید.

دولت المان فدرال حکمی را که هرگز لغو نشد صادر کرد، قتل آن‌ها را یک اعدام مشروع نامید و حزب سوسیال دمکرات همچنان احکام رسوای محاکمات ۱۹۱۹ را معتبر می‌داند.

اعتراف پابست تا حدی برای گیتینگر جالب بود که تصمیم گرفته فلم‌نامه‌ای درباره قتل لوکزامبورگ بنویسد و در جریان نوشتن آن مجموعه نامه‌ها و کاغذهای پابست را که محرمانه بود، اما به طریقی به دست او رسید، کشف کرد.

گیتینگر، به مثابه یک فلم‌نامه‌نویس برای نمایش‌های پولیسی تلویزیون می‌دانست چگونه اطلاعات را غربال نماید، سرنخ‌ها را دنبال کند و داده‌ها را دوباره ارزیابی نماید و نتیجتاً توانست حقیقت دو قتل را آشکار سازد. او داستانی گیرا از تبابی، دورویی و نادرستی را تعریف می‌کند.

اقدامات دولت حزب سوسیال دمکرات در سرکوب قیام‌های کارگران و کشتن لوکزامبورگ و لیب‌کنشت به شکاف غیرقابل ترمیم بین کمونیست‌ها و سوسیال دمکرات‌ها انجامید و به سقوط جمهوری وایمار و ظهور نازیسم منتهی شد.

همان‌طور که گیتینگر می‌گوید: «چیزی که رهبران حزب سوسیال دمکرات از به آب انداختن جسد لوکزامبورگ در کانال لندوهر (Landwehrkanal) نفهمیدند این بود که با آن جمهوری وایمار را [نیز] به آب می‌اندازند.»

<https://morningstaronline.co.uk/article/new-flight-shed-rosa-luxemburgs-murder>

* عدالت: فرای‌کورپس نیروی داوطلب شبه‌نظامی، عمدتاً ضدکموننیستی المانی بود که از قرن ۱۸ و تا زمان جنگ جهانی دوم وجود داشت. فرای‌کورپس در زمان جنگ هفت ساله و به وسیله فریدریش دوم و به منظور مقابله با نیروهای خارجی به ویژه روس‌ها ایجاد شد و بعدها عمدتاً برای سرکوب کمونیست‌ها به کار گرفته می‌شد.

منبع: مورنینگ استار

تارنگاشت عدالت